

نقش انگلیس در جدایی بحرین از ایران

۲۳ مرداد ۱۳۹۴ ساعت ۲۲:۲۸

نخستین گام جدایی بحرین در زمان پهلوی دوم برداشته شد و آن زمانی بود که انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها از هر دو سو شاه را به چنین تصمیمی ترغیب، تهدید و تطمیع کردند. تا در نهایت در روز ۲۳ مرداد ۱۳۵۰ جزیره بحرین از ایران جدا شد.

حدود ۴۰ سال پیش در چنین روزهایی مراحل نهایی جدا شدن قسمتی از خاک ایران (بحرین) انجام شد. شورای امنیت سازمان ملل با استناد به گزارش نهایی نماینده ویژه دبیرکل در بحرین مبنی بر نظر اکثریت مردم به جدایی از ایران، استقلال بحرین از خاک کشورمان را در تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۷۰ (اردیبهشت ۱۳۴۹) مورد تأیید و تصویب قرار داد.

مجمع الجزایر بحرین از قدیم الایام بخشی از امپراتوری ایران پیش از اسلام بوده است.

در اوایل قرن شانزده میلادی با هجوم استعمار پرتغال به منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس (در سال ۱۵۰۶)، بسیاری از نقاط استراتژیک منطقه و از جمله جزیره هرمز و مجمع‌الجزایر بحرین نیز (در سال ۱۵۲۱) به تصرف و اشغال پرتغالی‌ها درآمد.

پس از گذشت حدود یک قرن از اشغال پرتغالی‌ها، شاه عباس در سال ۱۶۰۲ با لشکرکشی به بحرین آنجا را از تصرف اشغالگران خارجی آزاد کرد و مجدداً به ایران ملحق شد.

پس از آن، مجمع الجزایر بحرین مدت ۱۸۰ سال در اختیار و تحت نظر کامل حکومت ایران بود. در سال ۱۷۸۳ (یا ۱۷۸۲) شیخ احمد بن خلیفه از قبیله بنی عتبه و از خاندان خلیفه (که از منطقه نجد در مرکز عربستان به کویت مهاجرت کرده بود) به این سرزمین حمله کرد و پس از شکست سربازان ایرانی بر آن استیلا یافت.

از آن پس، حکومت بحرین با حمایت همه جانبه سیاسی - استعماری انگلستان در اختیار اعضای خاندان خلیفه (آل خلیفه) قرار گرفت.

با این همه در همه این سال‌ها ایران همچنان بحرین را جزئی از خاک خود می‌دانست. دولت ایران در مدت یک قرن و نیم حاد شدن مسئله بحرین (۱۸۲۰ - ۱۹۷۰) و با وجود دخالت و سلطه انگلستان بر آن جزیره، هیچگاه جدایی بحرین از خاک ایران را

نپذیرفته اگرچه قدرت انجام عمل حادی علیه انگلیس را نیز نداشت.

نخستین گام‌ها به سوی واگذاری بحرین در زمان پهلوی دوم برداشته شد و آن زمانی بود که انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها از هر دو سو شاه را به چنین تصمیمی ترغیب، تهدید و تطمیع کردند و سرانجام به هدف خود دست یافتند.

علت اقدام انگلیس و آمریکا برای استقلال بحرین، اهمیت سیاسی - استراتژیک آن بود، ضمن اینکه ایران شاهد افزایش فعالیت‌های انقلابی اعراب در سواحل خلیج فارس در خلال سال‌های ۱۹۶۵-۱۹۶۴ و ترس از گسترش آن به داخل خاک ایران و علیه حکومت شاهنشاهی نیز بود؛ البته حضور نظامی انگلیس در منطقه و نیز بندر عدن به عنوان متحد ایران تا اندازه‌ای ترس حکومت شاه را کاهش می‌داد.

در نوامبر ۱۹۶۷، نیروهای انگلیسی پیرو جنگ‌های داخلی یمن از بندر استراتژیک عدن (نزدیک باب المندب و ابتدای جنوبی دریای سرخ) خارج شدند و به دنبال آن، جمهوری دموکراتیک خلق یمن (یمن جنوبی) به عنوان یک کشور سوسیالیستی افراطی شکل گرفت.

این کشور به زودی حامی جنبش‌های انقلابی و چپ‌گرای منطقه شد و در این راستا با ایران و نیز کشورهای میانه‌رو (و غرب‌گرای) عرب به عنوان کشورهای مرتجع شروع به مقابله و مخالفت کرد.

انگلستان پس از خروج از عدن (یمن جنوبی)، نیروهایش را به بحرین منتقل کرد و بدین ترتیب پس از عدن، مجمع الجزایر بحرین به عنوان پایگاه مهم انگلستان در شرق سوئز و خلیج فارس مطرح شد.

مدتی بعد در ژانویه ۱۹۶۸، پس از اینکه انگلستان اعلام کرد که نیروهایش را تا پایان سال ۱۹۷۱ از شرق سوئز خارج خواهد کرد، دولت ایران از این تصمیم استقبال کرد و اعلام کرد که از حق حاکمیت خود بر بحرین منصرف نشده است.

اما با طراحی و هدایت انگلستان قرار شد فدراسیونی متشکل از ۹ شیخ نشین جنوب خلیج فارس و از جمله بحرین در قالب یک کشور واحد پس از خروج نیروهای انگلیسی از منطقه تشکیل شود.

شیخ بحرین با ابراز ناخشنودی از مسئله خروج نیروهای انگلیسی و ادعای مالکیت ایران بر بحرین آن را یک مشکل امنیتی برای آینده مجمع الجزایر دانست، بنابراین حل این مشکل را پیوستن بحرین به فدراسیون یاد شده دانست.

محمد رضا شاه اگرچه به دلیل مخالفت با جدایی بحرین از ایران با تشکیل این فدراسیون مخالفت می‌کرد اما سرانجام در خلال مذاکرات گسترده با آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها از مواضع خود عدول کرد.

مذاکرات جدایی بحرین به طور آشکار و پنهان میان ایران، انگلستان، عربستان سعودی و آمریکا انجام می شد.

مذاکرات جدایی بحرین به طور آشکار و پنهان میان ایران، انگلستان، عربستان سعودی و آمریکا انجام می شد.

جدا از سیاست‌های استعماری انگلستان حمایت عربستان سعودی (به‌عنوان کشور عرب با نفوذ منطقه) از خواسته‌ها و آمال شیخ بحرین و نیز مرز آب‌های سرزمینی و فلات قاره دو کشور هم موضوع مهمی بود که به تضاد منافع دو کشور ایران و عربستان انجامید، به طوری که شاه برنامه دیدار رسمی‌اش از عربستان سعودی را در اوایل سال ۱۹۶۸ (۱۳۴۷) به تعویق انداخت.

بالاخره با مذاکرات طرفین نخستین قدم قابل توجه در حل اختلافات دیرین دو کشور بر سر مرز فلات قاره و مالکیت جزایر فارسی و عربی در تاریخ ۲۴ اکتبر ۱۹۶۸ با امضای یک موافقت‌نامه برداشته شد و باعث شد ایران در مورد مسئله بحرین کوتاه آمده و عقب نشینی سیاسی کند.

در آن شرایط، حکومت ایران حفظ بحرین با توسل به شیوه‌های نظامی را در توان خود نمی دید. دولت شاه از عکس العمل انگلستان به‌عنوان یک قدرت بزرگ استعماری واهمه داشت، ضمن اینکه این کار تمام کشورهای عربی را (اعم از تندرو و محافظه کار) علیه ایران متحد و هم پیمان می ساخت.

این در حالی بود که ایران در آن دوران درگیری‌های ارضی و مرزی و سیاسی گسترده‌ای با عراق داشت. از طرف دیگر اقدام نظامی ایران می توانست سازمان ملل متحد را به وسیله قدرت‌های بزرگ علیه ایران وارد عرصه کند.

بنابراین شاه با توجه با سازش‌های پنهانی انجام شده و شرایط زمانی، راه حل سیاسی را برگزید.

شاه در زمستان سال ۱۳۴۸ (اوایل ۱۹۷۰) در مصاحبه‌ای خواستار حل مسئله بحرین از طریق کسب نظر مردم آن به وسیله سازمان ملل متحد شد.

بالاخره پیشنهاد رسمی شاه از طریق گفت‌وگوهای بعدی ایران با انگلستان و دبیرکل سازمان ملل (اوتانت) در اوایل سال ۱۹۷۰

به نتیجه نهایی رسید و ایران در تاریخ ۹ مارس ۱۹۷۰ (۹ اسفند ۱۳۴۸) رسماً خواستار همکاری دبیرکل سازمان ملل برای استعمال نظر واقعی مردم بحرین از طریق انتصاب یک نماینده ویژه شد.

*گزارش سازمان ملل

انگلستان در تاریخ ۲۰ مارس موافقت رسمی خود را با انجام پیشنهاد دولت ایران به اوتانت، دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد.

وی نیز در همان روز پس از مشورت با نمایندگان ایران و انگلستان اعلام کرد که ویتوریو وینتسپیر گیچاردی (دیپلمات ایتالیایی) معاون دبیرکل و مدیرکل دفتر اروپای سازمان ملل در ژنو را به عنوان نماینده ویژه خود در کسب آرای مردم بحرین منصوب کرده است ضمناً وی از ایران و انگلستان برای انجام مسئولیت خود در ابراز نظر و تصمیم گیری نهایی در مورد حل مسئله بحرین، اختیار تام گرفت!

نماینده ویژه دبیرکل در امور بحرین، در رأس یک هیئت ۵ نفری عازم آن جزیره شد و از ۲۹ مارس تا ۱۸ آوریل ۱۹۷۰ به نظر خواهی گزینشی و گفت و گو با گروه های منتخب سیاسی - اجتماعی بحرین پرداخت. برخلاف ادعای برخی منابع خارجی مبنی بر مراجعه به آرای عمومی از طریق (رفراندوم) یا انتخابات عمومی، این امر صحت ندارد، بلکه به همان روش محدود گزینشی بسنده شد.

پس از آن گیچاردی داده ها و نتایج کسب شده را در گزارشی به دبیرکل تسلیم کرد تا براساس آن تصمیم نهایی درباره سرنوشت بحرین اتخاذ شود.

در گزارش مذکور آمده بود: هیئت اعزامی دریافتند که مردم بحرین پیشنهاد و درخواست ایران و انگلستان برای نظرخواهی و مساعی جمیله سازمان ملل را در این راه مورد ستایش و تقدیر قرار دادند، هیچ گونه تلخکامی و خصومتی از سوی مردم بحرین نسبت به ایرانی ها مشاهده نشد و اظهار امیدواری شده بود که مالکیت ایران بر بحرین یکباره و برای همیشه کنار رود. ضمناً آمده بود که مردم بحرین پس از حل مسئله بحرین، خواستار روابط نزدیکتر خود با سایر کشورهای عرب و نیز ایران و خواهان یک کشور مستقل و با حاکمیت کامل سیاسی هستند و بالاخره اینکه اکثریت تام مردم احساس می کنند که بحرین یک کشور عربی است.

رئیس هیئت اعزامی، گزارش خود را با این نتیجه گیری به پایان رسانده بود که کسب نظر و مشورت های وی در بحرین او را متقاعد کرده است که اکثریت مردم بحرین خواهان شناسایی هویت شان در یک کشور کاملاً مستقل و دارای حق حاکمیت و آزاد برای ایجاد روابط با سایر کشورها هستند. گزارش یاد شده از سوی دبیر کل به شورای امنیت ارجاع شد و شورای امنیت نیز با استناد به نتیجه گیری نهایی گزارش تدوین شده مفاد آن را راجع به استقلال بحرین و جدایی از خاک ایران در تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۷۰ مورد تأیید و تصویب قرار داد.

ایران نیز در ماه مه (اردیبهشت ۱۳۴۹) برای شناسایی رسمی قطعنامه شورای امنیت در مورد استقلال بحرین اقدامات قانونی را انجام داد.

هیئت دولت قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را برای بررسی و تصویب در قالب لایحه به مجلس شورای ملی تقدیم کرد.

این لایحه در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۹ با ۱۸۷ رأی مثبت و ۴ رأی منفی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

نمایندگان مخالف از سوی جناح پان ایرانیسم به رهبری محسن پزشکیور رهبری می شدند. مجلس سنا نیز در ۲۸ اردیبهشت ماه آن را به اتفاق آرا (۶۰ رأی کل نمایندگان) تصویب کرد.

حاکم بحرین برای نخستین بار در آذرماه ۱۳۴۹ (دسامبر ۱۹۷۰) از ایران بازدید کرد و موافقت نامه اولیه مربوط به فلات قاره دو سرزمین به امضا رسید.

اعلامیه استقلال بحرین در تاریخ ۱۴ اوت ۱۹۷۱ منتشر شد. دولت ایران تنها یک ساعت پس از استقلال بحرین آن را به رسمیت شناخت. یک روز بعد (۱۵ اوت)، بحرین و انگلستان یک قرار داد دوستی (با هدف مشورت در مواقع ضروری) با یکدیگر امضا کردند! بدین ترتیب، مسئله بحرین پس از یک قرن و نیم منازعه و کشمکش به نقطه حل رسید.

سازش و توافق ایران با قدرت های غربی بر سر بحرین، امتیازات کوچکی برای ایران داشت و آن هم افزایش نقش ایران در منطقه خلیج فارس بود.

امتیاز بزرگی که ایران با جدایی بحرین پرداخت کرد از بین رفتن نقش استراتژیک ایران در جنوب خلیج فارس بود. تا پیش از این ایران علاوه بر شمال خلیج فارس بر قسمتی از جنوب آن نیز حاکمیت داشت.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۲۲۷۹۲/نقش-انگلیس-نقش-استراتژیک-ایران-در-جنوب-خلیج-فارس-بود>